درآمدی بر مبانی
اشعار عاشورایی در سبکهای
خراسانی ، عراقی و هندی
در ادب فارسی

احمد حسینی کازرونی


بسم الله الرحمن الرحیم

درآمدی بر مبانی اشعار عاشورایی در سبک های خراسانی ، عراقی و هندی در ادب فارسی

نویسنده:

احمد حسینی کازرونی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

درآمدی بر مبانی اشعار عاشورایی در سبک های خراسانی، عراقی و هندی در ادب فارسی

مشخصات کتاب

عنوان : درآمدی بر مبانی اشعار عاشورایی در سبک های خراسانی، عراقی و هندی در ادب فارسی

پدیدآورندگان : احمد حسینی کازرونی(پدیدآور)

وضعیت نشر : قم: احمد حسینی کازرونی، ۱۳۸۷

نوع : متن

جنس : مقاله

الکترونیکی

زبان : فارسی

توصیفگر : ادبیات فارسی

سبک هندی

قیام عاشورا

سبک عراقی

سبک خراسانی

مقدمه

فرایند سخن این است که تا پایان سده ششم به جز چند بیت معدود پراکنده از ناصر خسرو و چند مراثی در قالب قصیده یا مثنوی از قوامی رازی و سنایی غزنوی، اشعار عاشورایی دیگری در آینه شعر و ادب فارسی در سبک خراسانی مشاهده نشده است.جماعت شاعران سبک عراقی به تمامی، حسین بن علی را به حق، مظلوم کربلاـ شمرده و بر قاتلاـن او لعنت و نفرین فرستاده اند.ذکر مصیبت ها در حیطه دینی و مذهبی در این دوره دویست ساله (سبک وقوع و هندی) بیش از دوره پیشین است. غم سروده های طولاـنی در قالب ترکیب بند و قصیده و مثنوی، غالب ارکان شعری این دوره را تشکیل داده است. گرایش شدید حکومت ها به مذهب تشیّع در روی آوردن شاعران به ذکر مناقب اولیاء اللّه بی تأثیر نبوده است. شاید به یقین بتوان این دوره دویست ساله از تاریخ شعر فارسی را دوره تسلط مصیبت سرایان اهل بیت نامید.در این مقال به طور گذرا این اشعار عاشورایی را بررسی می کنیم.

درآمدی بر مبانی اشعار عاشورایی در سبک خراسانی

نخستین گوینـدگان زبان فارسـی دری از خراسان و سـرزمین های شـمال و شـرق کشور که در سـده های پیشـین، آن ها را در مجموع، خراسان بزرگ می نامیدند، برخاسته اند.مردم این نواحی، پس از عبور از دو قرن سکوت، توانستند آثاری مکتوب در زبان و ادب فارسـی از خود به یادگار بگذارنـد که دامنه اش فراگیر زمان ها و مکان های دیگر گردد. کلام این گویندگان از طبیعت خراسـان متأثر گردیـده و زیبـایی طبیعت با فخامت و اسـتواری کلام، همراه با آداب و سـنن در بیان آنان کاملاً متجلّی گردیده است.در کلامشان، سخن از تعّلقات دنیوی و حُسن خدادادی و نشاط روزگاران است و چون

شعر در دربارها و مجالس اعیان و اشراف زمان، تظاهر پیدا می کرد، عامّه مردم،بی خبر از گذر ایّام و لذّات زمانه در رنج و بلایای دنیوی گرفتار و دل به رویکردها و مقدّرات عالم بسته بودند.هنوز خون حسین، کلک بنان شاعران را رنگین نکرده بود، ملّت به تبعیت از دولت وقت به مذاهب غیرتشیّع، وابسته شده و جرأت انتخاب غیر از مذاهب سلاطین از وجودشان سلب شده بود. هنوز خورشید تشیّع به گونه امروز، سرزمین ایران را تابناک نکرده و شیفتگان طریقت سالار شهیدان در عرصه ایران زمین، قد علم نکرده بودند.هر چند که سده های چهارم و پنجم، دوران خاص حماسه سرایی در ایران بوده و بیشتر گویندگان این عصر در تمجید و ستایش حاکمان و امیران وقت، اشعاری غرّا و بی همتا سروده اند، اما در هیچ یک از آن آثار تا قرن پنجم هجری از مراثی مذهبی شیعه، نشانی موجود نیست.آغازگر ادبیات عاشورایی در قلمرو شعر فارسی، حکیم ناصر خسرو قبادیانی است که او هم فقط طی چند بیت به ذکر مصایب کربلا پرداخته است. هر چند که به عقیده برخی از صاحب نظران، حکیم کسایی مروزی، نخستین پرچمدار ادبیات تشیّع در ادب فارسی شناخته شده، اما باید دانست که در میان اشعار باقی مانده اش، نشانی از اشعار عاشورایی مشهود نیست. الزاماً باید بدین نکته اشاره شود که سخت گیری حکومت های گذشته در جانب داری از موجودیت مذاهب مرسوم و تعصب دولت ها در این امر، زمینه برای بروز این گونه شعرها (تا عصر صفوی) فراهم نبوده و چنانچه در برخی ولایات، موقعیتی برای ظهور اشعاری در ذکر مراثی یا مناقب ائمّه اطهار (ع) ایجاد می گردید، به سبب شدت

مقابله از سوی حکومت مرکزی، قـدرت خودنمایی پیـدا نمی کرد و در رهگـذر زمان به فراموشـی سپرده می شد. و اگر چنین نبود تاکنون مجموعه ای بی نظیر از عاشورایی های شاعران متقدّم در ادب فارسی به یادگار مانده بود.با باریک بینی در دیوان شاعران متقـدّم این دوره، قدیم ترین مراثی مذهبی موجود در شـعر فارسـی، متعلق به قوامی رازی (شاعر شـیعه مذهب نیمه اول قرن شـشم هجری) و پس از آن مربوط به سـنایی غزنوی (شاعر سنی مذهب در قرن ششم هجری) است که در وصف کربلا و شهـادت سالار شـهیدان سـروده شـده و هر دو شاعر مراتب نفرت و انزجار خود را از قاتلان شـهیدان کربلا آشـکارا نشان داده اند.فرایند سخن این است که تا پایان سده ششم، به جز چند بیت معدود پراکنده از ناصر خسرو و چند مراثی در قالب قصیده یا مثنوی از قوامی رازی و سنایی غزنوی، اشعار عاشورایی در دیوان شاعر دیگر (پیرو سبک خراسانی) مشاهده نشده است.

درآمدی بر مبانی اشعار عاشورایی در سبک عراقی

قرون شـشم و هفتم بـا ظهور شاعران بزرگ صوفی و عارف در صـحنه ادبیات ایران و ورود و تـداخل عقایـد عرفانی از دوران پُربار و طلایی شـعر فارسـی محسوب می شود.سـنایی غزنوی که چشم و چراغ عرفان ادب ایران است در سده ششم، ادبیات پر ارج فارسـی را غنی تر کرد. عطـار روح عرفان گشت، سـعدی، عشق را در شـعرش متعالی کرد، مولانا عرشـی اش نمود، حافظ عشق و عرفـان را گره زد و جـاودانه اش سـاخت. عبـدالرحمن جامی و شاعران بعـد از او از مریـدان آن ابر شاعران شدنـد و به تبعیت از افکارشـان پرداختنـد.همه این بزرگ شاعران از معتقـدان سرسـخت دین و مـذهب بودنـد و به نوعی ازشـعر متعهـدانه طرفداری

می نمودند.شورش و یورش مغولان و تصرّف سرزمین های ایران توسط آن قوم مهاجم،دگرگونی عظیمی را در ارکان حیات این ملّت به وجود آورد. تمدن ایران اسلامی را در بیشتر زمینه ها به قهقرا کشانید و اراده و اختیار را به تمامی از مردم ایران سلب نمود.مردم همچون خیزاب های بی اختیار در دریای متلاطم روزگار شناور شده بودند.دیگر از تدبیر و تدّبر کاری ساخته نبود. شعر این دوره از این گونه تأثّرها، بی نصیب نمانده و مرگ آرزوهای دنیوی در سراسر شعر شاعران، حکم فرما شده بود.همه دل به آخرت بسته و خواهان حیات محض اخروی گردیده بودند. ترک لذّات دنیوی، از بهترین لذّات شمرده می شود.غم سروده ها، غالب زمینه های شعر فارسی را فرا گرفته بود، انگار شادی ها را دررنج و غم فراهم می دیدند. طرب و طراوت از شعر فارسی رخت بربست، دنیا وسیله ای شده بود برای تدارک اسباب آخرت و سیر و سیاحت به قلّه جاودانه آن. شعرش، هر چه هست، تسلّای دل است و آرامش در تخیّل آخرت. هر جا غم بود، شعر نمود پیدا می کرد و غم فراروی عقاید قرار می گرفت.شعر این دوره با غم و درد گره خورده است و درد به نوعی تسکین افزا شده. مردم این دوران با هر باور و عقیده ای، یاور مظلوم بودند، به ویژه آنان که سعادت را در آن دنیا می جستند و خواهان آخرت بودند و این خاصیّت بارز در شعر این دوره نمودار است. مظلوم گرایی تباینی با عقیده گرایی نداشته و فرق گوناگون اسلام، مخالفتی با آن ندارند، به ویژه اگر مرگ و شهادت در راه احقاق حق بوده باشد.بدین جهت است که شیعه و سنّی در تعظیم شهید کربلا ناله سر داده اند

و مرثیه سروده اند. در این طریق، شاعران سنّی همانند شاعران عالم تشیّع، منقبت سرای شهیدان کربلا شده و بر مظلومیت مظلوم کربلا ـ ناله سر داده اند و در رثای سلاله پاک رسول خدا سروده های جاودانه ساخته اند.در بررسی شعرِ این گونه شاعران، در ژرف ساخت وقایع عاشورا، اشعار شاعرانی چون، عطّار نیشابوری، سیف فرغانی، جلال الدّین محمّد مولوی، خواجه ناصر بخاری، خواجوی کرمانی، اوحدی مراغه ای (کرمانی)، سلمان ساوجی، شاه داعی شیرازی، ابن حسام خوسفی و نورالدین عبدالرّحمن جامی ارزیابی شده و به تجزیه و تحلیل مراثی منقبت آمیز آن شاعران در رثای سیدالشّهدای کربلا پرداخته شده است. جماعت این شاعران، به تمامی، حسین بن علی را به حق، مظلوم کربلا شمرده و بر قاتلان او لعنت و نفرین فرستاده اند.او را با القاب و اوصاف فراوان ستوده اند، وی را ولّیِ خدا، سلطان معصوم، سرور افلاک، نور دیده امام مجتبی، شمع فروزان خانه زهرا، بلاجوی دشت کربلا، عقلِ عقل، سبک روحِ عاشق، پرنده تیزپرواز آسمان، نوای بی نوایان دشت نینوا، چراغ آسمان مکرمت، جهان علم، دریای معرفت، آفتاب جاودانی، خورشید دین، چشم و چراغ بتول، شاه دو عالم، پیشوای شش محراب زمین، ماه دوازده برج افلاک، فروغ جان رسول، بهارعترت، نوباوه دل اصحاب، گوشواره عرش، درویش ملک بخش، جهاندار خرقه پوش، خسرو صوفی نشان، سلطان حیدری، مروارید دریای شریعت محمّدی، لب تشنه کام کربلا، روضه مقدّس فرزند رسول، شمع خاندان رسول، صدف لوکشف، میوه دل زهرا، باغ میوه دل زهرا و مرتضی، داغ سینه اسداللّه و فاطمه، گهر کان هل اتی، گوهر دریای لافتی، کعبه دل ها، قبله دعا، تشنه فرات، آسمان عشق، دست پرورده پیغمبر، مظهر اسرار لطف خدا، نرگس چشم و گل

رخسار آل مصطفی، چشم و چراغ انبیا، شیر یزدان، آرام جان مرتضی، قرّه العین علی، پیشوای جمع خلایق، لاله گلزار مصطفی، گلگونه روضه رسول،سرو باغ لافتی، گلبن باغ مرتضی، نوبهار حسن، قبله دعای حاجت مندان، لب تشنه فرات، نور چراغ ستارگان، سرو خوش خرام بهشت، میوه باغ رسول اللّه، لاله راغ حیدر کرّار،سیّد فاضل و کریم و... منظور کرده، به ستایش و منقبتش پرداخته و مکرّم و ارجمندش دانسته اند. در شهادتش، اشک ریخته اند و آرزوی زیارتش را در دل پرورانده اند.بیشتر شاعران این دوره موردنظر از شرق ایران؛ یعنی سرزمین خراسان بزرگ بوده اند و خراسان نیز تا عصر مولانا از مراکز عمده دانش و تفکّر و ادب و عرفان در ایران محسوب می شده است.حکومت سلاطین این دوره برحسب مقتضیات زمان بیشتر بر اساس مذاهب تسنّن پایه گذاری شده و گرایش به مذاهب چندگانه تسنّن از اعتبار و قدرت کافی برخوردار بود و به نحوی که فرق دیگر را تحت الشعاع خود قرار داده بود.شعر هم در این دوره از دربارها به در آمده و دیگر به طور مطلق در اختیار سلاطین و امیران قرار نداشت. اندیشه های دینی و مذهبی و آیین و رسوم رایج روزگار، زمینه ساز کلام گویندگان گردیده و بعد تفکّرهای مذهبی بر هر نوع تفکر دیگر برتری پیدا کرده بود.رهایی از قید و بند تمنّیات دنیوی و توسّل به مقدّرات سرنوشت و دل بستن تام به آخرت وگریز از دنیا پر و بالی شد برای پرنده شعر این دوره تا شاعر بتواند با قدرت تخیّل و عاطفه، فرش و عرش را در هم نوردد و رنج زمین را به فراموشی سپرد. دیگر غم شاعر با همه درماندگی، غم نان نبود، غم

رستگاری بود.این نوع گرایش زاهدانه؛ یعنی ترک مطلق دنیا و ریاضت کشی، دیگر عیش های زودگذر دنیوی و تفریح و تفرّج در دشت و دمن، خاطر مردم را خرسند نمی کرد، زیرا محیط خراسان پس از تهاجم مغولان منقلب شده بود. بذر غم و درد و رنج بر سراسر خاک ایران پاشیده شده، خاک مرده، گیاه، خشکیده و برکت از زمین رفته بود.دیگر برای جنبندگان انسانی، رمقی باقی نمانده تا طلب می و معشوق کند.روزه داری و چلّه نشینی سراسر روز و شب این دوره را فرا گرفته و شادی و نشاط از شهر ودیار رخت بر بسته بود. غالب مردم دچار ظلم مضاعف شده و قهر طبیعت، همه را به خود وابسته کرده و غم و فلاکت، اعماق وجودشان را فرا گرفته بود. سرانجام، سیر حوادث موجب شده که قاطبه مردم به چنین تفکّرهایی دل ببندند و خود را بی اختیار در آغوش موج های مقدرات بیندازند.شاعران این دوره نیز از این افکار صوفیانه بی نصیب نمانده و بازتاب آن را هنرمندانه در شعر خود نمایان ساخته اند.شعر در این روزگار، آیینه تمام نمای زندگی مردمی است که مصیبت ها را تحمّل کردند و رنج زندگی را بر خود هموار و به دلیل بی نصیبی از تعلّقات دنیوی، همّ و غم خود را متوجّه آخرت ساختند و از دنیا و مافیها گذر کردند. بدین سبب تلاش ها رو به کاستی گذاشت و جدّ و جهدها فرو نشست و شریان ترقّی و تعالی، سست و پوسیده شد.فقر و پایداری در برابر شداید و آفت ها و تحمل رنج ها، ترسیم کننده منحنی حیات مردمی گردید که به حکم اجبار به خودباختگی روی آورده بودند و اگر رمقی داشتند آن را صرف

مخاصمه با دنیا می کردند. شاید چاره ای، جز این نداشتند.

درآمدی بر مبانی اشعار عاشورایی در سبک وقوع و هندی

شاعران مورد بحث در این سبک از جمله گویندگانی هستند که در سده های دهم و یازدهم هجری در ایران می زیسته و بنابر اعتقادهای دینی خود که بر اساس مذهب رسمی این دوره؛ یعنی شیعه دوازده امامی شکل گرفته، مراثی متفاوتی را در ادب فارسی از خود به یادگار گذاشته اند.از جمله این شاعران: بابافغانی شیرازی، اهلی شیرازی، وحشی بافقی، فضولی بغدادی و محتشم کاشانی (شاعران سده دهم هجری)، نظیری نیشابوری، واعظ قزوینی و فیّاض لاهیجی (شاعران سده یازدهم هجری) را می توان نام برد.بر اساس مشهودات، دو نفر از این شاعران از خطّه شیراز و بقیه به ترتیب از بافق یزد، بغداد، کاشان، نیشابور، قزوین و لاهیجان می باشند.در این دوره، خراسان حاکمیت مطلق خود را نه تنها در سیاست، بلکه در ادب فارسی از دست داده و شعر از حوزه ادبی خراسان فراتر رفت و به اقصی نقاط کشور کشیده شد. شاید یکی از علل عمده این امر، دگرگونی در حکومت ها و تغییر مراکز سیاست از خراسان به سایر نقاط ایران بوده که پس از تهاجم مغولان به ایران صورت پذیرفته باشد. دیگر آن که خراسان به دلیل ویرانی شدید، اعتبار و جذّابیت خود را در آن دوره از دست داد و مراکز قدرت به سایر نقاط ایران از جمله قزوین و اصفهان انتقال یافت. اشعار شاعران این دوره از غم بارترین دوران شعر فارسی است و از نشاط و شادمانی مفرط دنیوی، کمتر نشانی می توان یافت.ذکر مصیبت ها در حیطه دینی و مذهبی در این دوره دویست ساله، بیش از دوره پیشین است. غم سروده های طولانی در قالب ترکیب بند و قصیده و

مثنوی، غالب ارکان شعری این دوره را تشکیل داده و شعر را از شور و نشاط دنیوی انداخته است. گرایش شدید حکومت ها به مذهب تشیّع در روی آوردن شاعران به ذکر مناقب اولیاءاللّه بی تأثیر نبوده است. شاید به یقین بتوان این دوره دویست ساله از تاریخ شعر فارسی را دوره تسلّط مصیبت سرایان اهل بیت نامید.از سوی دیگر، صدمات تاریخی و ضرباتی که از جانب ترکان غزنوی و سلجوقی و خوارزمشاهی به دلایل بی کفایتی آنان بر ایران وارد شد، قدرت ایرانیان رو به اضمحلال رفت و راه را برای تهاجم مغولان همواره آماده ساخت.تخیّل ها و تصویرگرایی در شعر این دوره، بیشتر در خدمت ذکر مناقب دینی و مذهبی تشیّع علوی (اثنی عشری) قرار گرفت و دنیاگریزی و فرار به آخرت که از اصول مسلّم علم تصوّف و عرفان در دوران پیشین بود، به شیوه ای دیگر در شعر این دوره متداول شد.شاعران این عصر با عنایت به این که از فنون ادبی و بلاغتی به ویژه در بخش تشبیهات، استعارات، کنایات و مجازات استفاده کرده و از قافیه های گوناگون و ردیف های مکرّر بهره مند شده اند، با این وجود، نتوانسته اند ابتکارهای بدیعی را در شعر به وجود آورند و آن را متعالی سازند. بنابراین تقلید و بهره وری و تکرار مضامین در شعر شاعران این دوره به فراوانی مشهود است.هیچ کدام از حماسه های دینی و مذهبی این شاعران، بیانگر اوضاع و احوال تاریخی این دوره نبوده و اطّلاعات دینی و تاریخی آنان، غالباً در سطحی نازل ارائه شده است.تنها صحنه سازی ها همراه با اغراق های دور از ذهن توانسته است شعرشان را در نوع خود جهت دار سازد.معروف ترین شاعر مرثیه سرای مذهبی این دوره محتشم کاشانی است

که توانسته با سرودن ترکیب دوازده بندی خود در ذکر مصایب کربلا و شهادت حسین بن علی از شهرتی عام برخوردار شود. هر چند تأثیر شاعران پیشین در این دوره از جمله بابافغانی و اهلی شیرازی در خلق این اثر نمی توان نادیده گرفت. اما انسجام کلام، همراه با سوز دل توأم با عقاید باطنی، شعرش را از دیگران ممتاز ساخته است.شعر و شاعری در این دوره بیشتر از اجر اخروی برخوردار بوده و شاعران، اغلب،صاحب حرفه و پیشه ای بوده اند؛ مثلاً وحشی بافقی به شغل مکتب داری، محتشم کاشانی به حرفه بزّازی، نظیری نیشابوری به تجارت پیشگی، واعظ قزوینی به وعظ و روضه خوانی و ملّا فیّاض لاهیجی به امر تدریس اشتغال داشته اند. اما همه آنان از ذوق شاعری و گستره تخیّل قوی، همراه با رقّت احساس و عواطف رقیق بهره مند بوده اند.هر چند برخی از آنان، گاه گاه مدایحی در ستایش امیران، حاکمان و بزرگان وقت سروده اند، ولی آنان کمتر از راه شاعری امرار معاش کرده اند.در این برهه از زمان بنا به مقتضیات گوناگونی که به ذکر برخی از عوامل آن پرداخته شد، منقبت گویی و یاد از ائمه اطهار و بازگویی مصایب کربلا و مرثیه سرایی مذهبی به ویژه درباره شهادت جان گداز شهید کربلا، از منزلت و کرامت خاصی برخوردار بوده است. اما باید اعتراف کرد که یک سوگرایی و تکرار مضامین و تشبیهات و استعارات مکرّر، شعر این دوره را تک بُعدی و یکنواخت نموده است، به گونه ای که برخی از این سنخ اشعار فاقد تحرّک و پویایی لازم بوده و دچار ایستایی و توقّف محض گردیده است.با بررسی غم سروده های جمله این شاعران، مشاهده می شود که خواننده با خواندن یکی

از مراثی شاعران این دوره منظور غایی خود را دریافت کرده و دیگر نیازی به مطالعه آثار دیگر شاعران در این زمینه نداشته باشد.نهایت بُعد فاجعه یزیدیان در شهادت سرور شهیدان و سایر شهدای گران قدر کربلا در مرثیه سرایی معمول این عصر در شعر محتشم کاشانی مشاهده می شود. غالب شاعران بعد از او از مضمون سازی و آرایه های ادبی به کار رفته شده در ترکیب بند معروف محتشم به گونه های دیگر استفاده کرده اند.هیچ کدام از خیل این شعرا از فلسفه قیام امام حسین و نهضت مقدس حسینی سخن نگفته اند و نتوانسته اند در این گونه حماسه، ابعاد فاجعه را همچون حماسه های ملّی به جا مانده از گذشتگان را روشن سازند یا تضادها را بنمایانند.بابافغانی در قصیده مرثیه بار مردّف خود، روز عاشورا را صبح قیامت و شهید کربلا را «خونابه روان جگرپاره رسول» منظور نموده و یزیدیان را «گرگان پیر» نامیده است. اهلی شیرازی نیز در قصیده مصیبت زایی گفته است از غم تشنه لب کربلا پشت ِفلک، همچو کمان خمیده شده است.وحشی بافقی در ترکیب بند غم آلودش، کوس بلا را در معرکه طنین انداز کرده و از زانو زدن کشته بیدارگر کربلا در حرم کبریا سخن رانده است.فضولی بغدادی، قصیده سوزناک مردّفی به ردیف کربلا دارد که در براعت استهلالش، به ساکن محنت سرای کربلا درود فرستاده و چنین نشان داده که چرخ و فلک، خاک زمین را از خون بحر عطای کربلا گلزار نموده است.محتشم کاشانی، رستاخیز عظیمی را در ترکیب بند مشهورش نمایانده که بلوایش عرش اعظم را در نوردیده است.نظیری نیشابوری در یک بند از دوازده بند ترکیب بندش، شط خون فرات را از طوفان بلای کربلا در شعرش ترسیم

کرده است.واعظ قزوینی در یک قصیده غم بار حکایت کرد که قضای آسمانی پس از شهادت نور دیده زهرا، حصاری از غم به دور جهان کشید و سراسر عالم را به ماتم نشانید و شفق در انبوهی درد، سینه چرخ را خروشان کرد.فیّاض لاهیجی به پیروی از محتشم در ترکیب چهارده بندی خود، بُعد فاجعه کربلا را چنان نشان داده که خانه افلاکیان از سیل گریه خراب شده و سینه عرش از نیش ناله به درد آمده است.فرایند سخن همه این گویندگان بر محور نمایه های سوگ و ماتم است و تسّری درد به طبقات جامعه روزگار خود، و بدین گونه ریشه درخت تشیّع از خون سالار شهیدان، هر روز بارورتر شد و مستحکم تر گردید.شاعران سده های دهم و یازدهم، مناقب و بزرگواری های امام سوم شیعیان را به فراوانی در مراثی و غم سروده های خود ستوده اند. برخی از این گونه القاب، اوصاف و ترکیبات را که در عظمت و ستایش سرور شهیدان در شعر این شاعران به کار رفته،می توان به شرح زیر خلاصه نمود:روشنایی شجر وادی نجف، طوطی فصیح ادب خانه رسول، شاه صاحب تخت و تاج، گوهر یک دانه نجف، جگرپاره رسول، پروانه نجات شهیدان محشر، حسین تشنه لب، شاه شهید کربلا، چشم و چراغ فاطمه، نور دو چشم مرتضی، آب حیات مؤمنان، تشنه جگر، پنجه شیر حق، شاه اولیا، گلبن چمن مصطفی، کشته بیداد کربلا، شاه انس وجان، حرّ شهید، کشته تیغ جفای کربلا، خسته آب و هوای کربلا، غنچه نشکفته گلزار غم، شهید کربلا، غم فزای کربلا، گل دشت کربلا، جان فزای دل گشای کربلا، بحر عطای کربلا، شاه کربلا، کشته فتاده به هامون، صید دست و پا زده در خون، نخل

استوار در آتش جان سوز تشنگی سوخته، شناگر دریای خون، غرقه محیط شهادت، خشک لب افتاده برساحل فرات، شاه شهید مدفون ناشده، گل و شمشاد باغ دین، خورشید آسمان و زمین، نورمشرقین، پرورده کنار رسول، در خاک و خون تپیده میدان کربلا، کشتی شکست خورده طوفان کربلا، گل شکفته بوستان کربلا، مهمان کربلا، سلیمان کربلا، سلطان کربلا، شیرخدا، نخل گلشن آل عبا، نخل بلند، خلف مرتضی، صید حرم، امام زمان، مونس شکسته دلان، آستین فشان خلد، تنهای تشنگان، سر سروران، سردوش نبی، سر غلتان معرکه کربلا، ماهتاب آه ماتمیان، گل و شمشاد باغ دین، حلق سوده لعل لب نبی، نخل ترکربلا، ماهی فتاده به دریای خون، غرقه محیط شهادت، خشک لب کربلا، خلیل خدای جهان، شهید تیغ جفا، نور دیده زهرا، شاه شهیدان کربلا، شهسوار معرکه کربلا، مهمان نورسیده دشت بلا، گل دسته بهار امانت به باغ دین، نخل تازه پرور لطف خدا، خوبه نازکرده آغوش جبرئیل، پاره دل و جگر مصطفی، نور دیده دل زهرا و مرتضی، برادر حسن مجتبی، بی غمگسار بی کس و بی آشنا، شخص حیا و خسته خصمان بی حیا، کان وفا، کشته تیغ جفا، خوانده به رغبت و افکنده به جور مبتلا در دست کوفیان دغا نشانه تیر بلا،خار صد جفا شکسته از دشمنان به دل، نسیم وفا ز دوستان ندیده، دست و پا در خون پرخویشتن زده، بی بهره از دشمن و دوست، شه دوران، باغبان گلستان کربلا، رستم دستان کربلا، بی کس و بی یاور و بی هم نشین، گل دامن رسول، سلیمان کربلا، سلطان تشنه کربلا، شهنشاه دین پناه، شاه محترم، غمگسار و مونس شب ها، ناخدای کشتی شرع، آفتاب تنهای آسمان، مرهم جراحت دل ها، یادگار یک چمن گل،

گلبن آل نبی، غریب دیار جفا، شریف خاندان آل محمد، اندیشه گر لقای الهی، تمهیدگر پادشاهی جاوید، دلبرجان بخش دلستان، پوشنده درع احمد مختار، بر بسته تیغ حیدر کرّار، دربردارنده زره جعفر طیّار، بر سر نشانده عمامه حسن مجتبی، شاهزاده، خورشید فلک، شهنشاه دین،جان بتول، سلطان لعل پوش کربلا، شهسوار معرکه کربلا، شه دوران، گل دامن رسول،آفتاب یکتا، شرف آل رسول، حسین تشنه کام و...با توجه به نمایه های فوق مشاهده می شود که بیش از صد گونه ترکیب کلامی در نمونه های شعری این شاعران وجود دارد که برخی از آن ها در اشعار شاعران بعد نفوذ کرده است.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

